

هو العليم

بررسی حکم قرائت قرآن در نماز از روی مصحف

سلسله دروس خارج فقه – وجوب عمره مفرده و بحث از تکرر آن در یکماه - جلسه 147

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی
قدس الله سرّه



أعوذُ بالله مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به وضعیتی که سال قبل داشتیم، می‌توانیم بگوییم که به‌طور کلی بحث فقهی متروک شد و جلسات معدودی هم که بود، به مباحث فلسفی گذشت؛ لذا اگر امسال به همان کیفیت پیش برویم، به دستور مرحوم آقا - رضوان الله تعالی علیه - که اطلاع دارید، عمل نکرده‌ایم. امسال بنا را بر این گذاشتیم که ابتدا بحث فقهی باشد و بحث دوم فلسفه باشد. حالا بعضی از روزها اگر موانعی مانند خستگی و امثال ذلک مانع از بحث دوم شد، بحث اول به جای خودش باقی باشد. إن شاء الله از جلسه بعد - اگر خدا بخواهد - همان بحث فقهی را ادامه می‌دهیم و به دنبال آن بحث فلسفی [را بیان می‌کنیم] ولی سعی می‌کنیم که هر کدام بیشتر از نیم ساعت طول نکشد که به توصیه آقایان [اطباء] هم عمل شده باشد.

حکم قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه

امروز می‌خواستیم بحث حج را شروع کنیم اما مسئله‌ای پیش آمد و آن مسئله هم خیر بود که ما در مسئله‌ای فقهی تجدید نظر کنیم. از آنجایی که یادم هست یک شب از شب‌های پنج‌شنبه در همین مدرسه فیضیه - آن موقع که مباحث فقهی، خارج از بحث معمول و متداول کلاسیک مطرح و صحبت می‌شد - صحبت از قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه شد و نتیجه صحبت و بحث بر احتیاط قرائت از روی مصحف و عدم جواز در نمازهای مکتوبه و یومیه شد اما گفتیم که در نوافل اشکال ندارد. من در این مدت نسبت به نتیجه این بحث، رضایت خاطر نداشتم و این مسئله برای من به‌صورت معمایی باقی مانده بود ولی به کسی نمی‌گفتم، سؤال هم که می‌کردند، در پاسخ می‌گفتم: «مسئله، طبق قاعده و ظاهر به این کیفیت است چون نصّ روایت است و ما از خودمان نمی‌توانیم چیزی بگوییم.» اما صرف‌نظر از فتوای بزرگان بر جواز قرائت و حتی حکم به استحباب آن حتی سوره عزائم و آیه سجده در سوره عزائم، در تمام این مراتب و موارد، فی‌حذتنفسه برای من یک سؤال و معما بود که چه اشکالی دارد که مصلى سوره‌اش را در نماز با نظر به مصحف قرائت کند؟! چه مانعی وجود دارد که در روایات نسبت به این قضیه منع شده است؟! فقهائی هم که در این مسئله فتوا داده‌اند، بعضی قائل به حرمت و بعضی قائل به جواز و بعضی قائل به احتیاط شده‌اند، لابد رفقا در آن زمان تقریرات را مطالعه کرده‌اند، کلام مرحوم آقا شیخ محمدحسن صاحب جواهر نسبت به این مسئله هم به همین کیفیت بود.¹

روایتی هم که در این زمینه آورده‌اند؛ روایت صحیحۀ علی بن جعفر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از قرب الإسناد بود که صحیح بود؛² لذا این مطلب برای من به‌عنوان مسئله لاینحلی باقی

¹ جواهر الکلام، ج 9، ص 343:

«و لا يجوز أن يقرأ في الفرائض شيئاً من سور العزائم كما هو المشهور بين الأصحاب شهرة كادت تكون إجماعاً، بل هو كذلك في الغنية و التذكرة و عن الانتصار و الخلاف و نهاية الأحكام و كشف الالتباس و إرشاد الجعفرية ...»

² وسائل الشیعة، ج 6، أبواب القراءة في الصلاة، باب 40، ص 106، ح 4:

«عبدُ الله بنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الإسْنَادِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يقرأُ فِي الفَرِيضَةِ سُورَةَ النُّجْمِ، أَوْ يَرَكُّعُ بِهَا أَوْ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ بِغَيْرِهَا قَالَ: «يَسْجُدُ ثُمَّ

مانده بود و از یک طرف هم راه مفرّی برای تغییر این فتوا نداشتیم، بحث آن را هم کرده بودیم؛ البته یادم هست که من در آن موقع روی این مسئله عمیق مطالعه نکرده بودم ولی از آنجایی که همان سبق ذهنی من نسبت به این مسئله حاکی بود؛ لذا توجه نمی‌کردم و می‌گفتم که فعلاً قضیه این‌طور است تا بعد روشن شود. چون بالأخره انسان تابع یک مبانی است و با توفیق الهی می‌تواند از مطالب و مطاوی روایات و آثار و مبانی وارده، حال و هوایی از آن رایحه تکلیف، ملاک و مناط حکم استشمام کند.

خلاصه این دو قضیه باهم، [همخوانی] نداشتند؛ از طرفی روایات زیادی راجع به قرائت قرآن در نماز به‌نحو مطلق داریم که: «مَنْ قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ»... این روایات از امام رضا، امام صادق، امام باقر، رسول خدا، امیرالمؤمنین علیهم السلام می‌باشند و به این مضمون هستند که اگر کسی این سوره یا آن سوره را بخواند یا مثلاً حم سجده بخواند، حم دخان بخواند و امثال‌ذلک فلان قدر ثواب دارد یا فلان آثار و فوائد را دارد و... .

همه افراد که سوره حم سجده و حم دخان را حفظ نیستند یعنی وقتی که از نقطه نظر شم الاجتهاد و الاستنباط به مطلب نگاه کنید، این مسئله برای انسان روشن می‌شود که این‌همه استحباب، فوائد و آثاری که برای قرائت مثلاً سوره واقعه، حم سجده، حم دخان، زمر یا سوره طوال ذکر شده‌اند، آیا فقط منحصر به افرادی است که حافظ این سوره هستند یا اینکه برای همه است؟! یعنی حالا اگر کسی این سوره را حفظ نیست، باید از این ثواب محروم باشد؟! آیا شرع چنین تجویز و اجازه‌ای به خودش می‌دهد که بگوید: «این ثواب‌ها برای افرادی است که این سوره را از حفظ دارند و اگر کسی حفظ نباشد حق ندارد که از روی قرآن چیزی بخواند و کسی که نمی‌تواند بخواند، از این ثواب محروم است»؟! همه افراد که نمی‌توانند قرآن حفظ کنند! حالا کلاس‌هایی دائر شده است و افراد به این کلاس‌ها می‌روند و این سوره را حفظ می‌کنند.

سرد این مسئله و جریان این قضیه، - لولا مسائل و مقارنات دیگر و امثال‌ذلک - این مطلب را برای انسان روشن می‌کند که وقتی شارع مقدس اثری را بر حکمی مترتب می‌کند، یک نظر عام نسبت به همه افراد مصلی دارد و فقط به کسانی که حافظ سوره هستند نظر ندارد.

استحباب تلاوت سوره جمعه در شب جمعه در نماز

مثلاً وارد است که در شب جمعه سوره جمعه را بخوانند،¹ آیا ثواب‌ها فقط برای کسانی که آن سوره را از حفظ بخوانند، مترتب می‌شود؟! یا اگر از روی کاغذ باشد، یا از روی دیوار باشد، یا از حفظ بخواند، یا از روی قرآن بخواند، بالأخره سوره جمعه در لیلۃ الجمعة قرائت و تلاوت شود، آن ثواب مترتب می‌شود؟ کدام‌یک از این دو مطلب همخوانی دارد؟! این مطلب را که خدمتان عرض کردم به‌خاطر نکته خیلی مهمی است که به‌طور کلی چطور ما از آن حقیقت و مبنای دین فاصله گرفته‌ایم. چطور امکان دارد شارع بگوید که در شب جمعه یا در شب شنبه، یا در صبح دوشنبه، یا در نماز مغرب و عشاء، اگر کسی این سوره را بخواند، این آثار بر او مترتب می‌شود اما منحصر به کسانی باشد که حفظ هستند و کسی که حفظ نیست، هیچ اثری برای او نیست و آن شخص باید (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)²

يَوْمٌ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَ يَرَكْعُ (و ذَلِكَ زِيَادَةٌ فِي الْفَرِيضَةِ) وَ لَا يَعُودُ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ بِسَجْدَةٍ».
¹ تهذیب الأحكام، ج ۳، تنمۃ کتاب الصلاة، باب 1، ص ۷، ح 18:

«عَنْ حَرِيزٍ وَ رُبَيْعٍ رَفَعَاهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَقْرَأَ فِي الْعَتَمَةِ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَ (إِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ) وَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ مِثْلُ ذَلِكَ»».

² سوره اخلاص (112) آیه 1.

و یا سوره (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)¹ بخواند؟! انسان نمی‌تواند با تحریصی که نسبت به این قضیه وارد است، چنین تصویری نسبت به شارع داشته باشد. حالا بگذریم از روایتی از امام رضا علیه السلام که می‌فرماید:

عن الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام أنه قال: «أمر الناس بالقراءة في الصلاة لئلا يكون القرآن مهجوراً مضيقاً وليكون محفوظاً مدروساً» الحديث.²
و امثال ذلك که همه این مطلب را تأیید می‌کنند که نفس سرد و جریان این حکم، اقتضای استحباب قرائت مصحف را در نماز می‌کند، اصل مسئله چنین مطلبی است؛ لذا با هم هم‌خوانی ندارند.
اینجا از همان جاهایی است که خدمت رفقا عرض کردم که انسان خودش باید فی‌حدنفسه به مرتبه و مرحله‌ای برسد که وقتی به روایت نگاه می‌کند، احساس کند که لسان دلیل بر چه منوالی جریان دارد، یکی از آن موارد همین مورد است. ظاهر روایت علی بن جعفر دلالت بر بطلان نماز کسی می‌کند که از روی مصحف قرائت کند اما وقتی به این مسئله نگاه کنید، می‌گویید که این مطلب چه عاملی می‌تواند داشته باشد؟! حداقل این است که انسان را در فکر فرو می‌برد یعنی برای انسان یک علامت سؤال ایجاد می‌کند.

لذا این قضیه به‌نحو ابهام بود تا اینکه چندی پیش یکی از دوستان از مشهد تماس گرفت و سؤال کرد که آیا نظر شما همین است؟! گفتیم: «بله، نظرم این است که احتیاطاً قرائت از روی مصحف را در صلاة باید ترک کرد، شاید به این جهت است که با حالت نماز تنافی دارد.»

نظر علامه طهرانی راجع به قرائت قرآن با مصحف در نماز

ایشان گفت که آخر نظر مرحوم آقا این‌طور بود. گفتیم: بله، بنده نظر ایشان را می‌دانم. نظر ایشان بر استحباب قرائت با مصحف و حتی بر جواز قرائت سوره عزائم بود و حتی به یاد دارم که ایشان حتی سجده را هم به‌عنوان یک سجده اضافی تلقی نمی‌کردند بلکه سجده اضافی در نظر ایشان، سجده‌ای بود که در نماز به‌عنوان سجده رکن و راتبه باشد. حالا اگر شخصی در نماز آیه سجده بخواند و چون واجب است که سجده کند، سجده انجام دهد، رکن محسوب نمی‌شود.

من گفتیم: دوباره راجع به این قضیه مراجعه می‌کنم. عرض کردم که چند سال پیش مراجعه من دقیق نبود، وقتی مراجعه کردم دیدم که عجب! اصلاً این روایت دلالت بر بطلان ندارد، حتی از کسانی که روایت علی بن جعفر را دلیل بر بطلان می‌دانند، تعجب کردم!

روایاتی که در این زمینه دلالت بر استحباب قرائت سوره در نماز دارند، إلی‌ماشاءالله خیلی زیاد هستند و نیاز به گفتن ندارد؛ خود رفقا اگر وسائل یا جامع الأحادیث دارند، ببینند. روایتی که مربوط به خصوص النظر فی المصحف می‌باشد، یک روایت است که نظر در مصحف را بلا اشکال می‌داند؛ روایت امام صادق علیه السلام است:

عن الحسن بن زیاد الصیقل قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما تقول في الرجل يصلي و هو ينظر في المصحف يقرأ فيه يصنع السراج قريباً منه؟ فقال: «لا بأس بذلك»³
حضرت فرمودند که اشکالی ندارد.

اما آن روایتی که در اینجا باعث شبهه شده است، روایت مربوط به علی بن جعفر است که از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می‌کند:

عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر عليه السلام، قال: سألته عن الرجل والمرأة يصنع

¹ سوره ناس (114) آیه 1.

² وسائل الشیعه، ج 6، ابواب قراءة فی الصلاة، باب 1، ص 38، ح 3.

³ وسائل الشیعه، ج 6، ابواب القراءة فی الصلاة، باب 41، ص 107، ح 1.

المصحف أَمَامَهُ يَنْظُرُ فِيهِ وَ يَقْرَأُ وَ يُصَلِّي؟ قَالَ: «لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ».¹

شخصی مصحف را أمام خودش قرار می‌دهد یعنی مقابل خودش قرار می‌دهد و بعد «يَنْظُرُ فِيهِ وَ يَقْرَأُ وَ يُصَلِّي»، حضرت فرمودند که نمی‌توان به این نماز اعتنا کرد. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که این روایت با روایت قبل فرق دارد؛ شخص در روایت اول مصحف را در دست می‌گیرد و بعد به واسطه نور سراج نگاه می‌کند و قرآن را می‌خواند، حضرت می‌فرمایند که نمازش درست است اما در روایت دوم مصحف را به‌دست نمی‌گیرد بلکه مصحف را در مقابلش می‌گذارد، کسی که مصحف در مقابلش قرار دارد باید یک دقت مضاعف کند یعنی اضافه بر آن دقتی که شخص مصحف را در دست گرفته است و همین‌طور نگاه می‌کند و می‌خواند و جلو می‌رود، باید یک دقت نظر فی المصحف هم داشته باشد. حالا اگر نور چراغ کم باشد، چشمانش را به‌خو خاصی می‌کند، آن‌طرف را نگاه می‌کند، این‌طرف را نگاه می‌کند، مقداری نگاه می‌کند، نمی‌دانم این کلمه چیست؟! لذا نگاه کردن به مصحف در مقابل، با نگاه‌کردن به مصحف در دست، زمین تا آسمان فرق می‌کند، حضرت در اینجا می‌فرمایند: اینکه نماز نشد که همین‌طور به مقابله نگاه کنی و آیه را بخوانی بعد دوباره برای تو شبهه پیدا شود و دقت کنی! این دقت کردن و شبهه پیدا شدن و تأمل کردن، حالت صلاتیه و ارتباط تو را از بین می‌برد؛ لذا حضرت نمی‌فرمایند که هذه الصلاة باطلة و حرام بلکه می‌فرمایند: «لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ». فقهاء از این روایت استفاده حرمت کرده‌اند یعنی گفته‌اند که «لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ» یعنی نماز باطل است. حضرت نمی‌فرمایند که این نماز باطل شد بلکه می‌فرماید که این چه نمازی است، اینکه نماز نشد. پس عبارت «این چه نمازی است یا اینکه نماز نشد» با «نماز باطل است» دو مطلب است. مثلاً حضرت می‌فرمایند که برو پی کارت با این نماز خواندنت! آخر این نماز شد که می‌خوانی؟! «لَا يَعْتَدُ» یعنی به این نماز می‌گویند؟! این هم نماز شد؟!!

حتی اگر حضرت می‌فرمودند که این عمل حرام است، در این صورت هم این روایت نمی‌تواند با روایات دیگر مقابله کند؛ به‌خاطر اینکه نوع قرائت و نظر در مصحف در اینجا تفاوت کرده است؛ در روایت اول شخص قرآن را به‌دست گرفته است مثل اینکه از حفظ می‌خواند، تفاوتی نمی‌کند. من هم قرآن را از حفظ می‌خوانم: (يَسْ * وَالْقُرْآنَ الْكَرِيمَ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ)² اما در روایت دوم مثلاً قرآن روی دیوار نوشته است و شخص از آنجا می‌خواند: (يَسْ * وَالْقُرْآنَ الْكَرِيمَ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)؛ لذا نمی‌تواند دقیق بخواند، با خود می‌گوید که چه نوشته بود؟! «الْكَرِيمَ»؟! «الْمُرْسَلِينَ» یا المرسلون؟! حضرت می‌فرمایند که «لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ»، برو پی کارت با این نماز خواندنت، اینکه نماز نیست، تو همین‌طور به آنجا نگاه می‌کنی و برای تو شبهه ایجاد شود.

واقعی هم همین است، شما یک کتاب را از رو بخوانید و یا در جلوی خود بگذارید و بخوانید، چقدر تفاوت می‌کند؟! در چنین وضعیتی حالت ارتباط و صلاتیت بین مصلی و پروردگار از بین می‌رود و منقطع می‌شود؛ لذا می‌گوییم که این روایت اصلاً با روایاتی که دال بر جواز قرائت قرآن در نماز با سُر مختلف هستند، تنافی ندارد بلکه این روایت در یک فضا است و روایات دیگر در فضای دیگر هستند و دو موضوع مختلف‌اند. قرائت از روی مصحف به‌جای خودش باقی می‌ماند و همان‌طوری که از سایر روایات به‌دست می‌آید، استحبابش هم به جای خود باقی است.

مطلب دیگری در اینجا است که بعضی‌ها در این قضیه اشکال کرده‌اند به اینکه به‌طور کلی قرائت از روی مصحف و سُر طوال باعث می‌شود که حالت صلاتیت از بین برود و خدشه پیدا کند؛ یعنی این نماز و ترکیب در نماز و کیفیت نماز؛ قیام، قعود، ذکر، تلاوت و مونتازی که از این اجزاء، اذکار، اوراد، ارکان و افعال من‌حیث‌المجموع به‌دست می‌آید، به‌هم می‌خورد ولی اگر انسان بایستد و با سُر

¹ وسائل الشیعة، ج 6، أبواب القراءة فی الصلوة، باب 41، ص 107، ح 2.

² سورة يس (36) آیات 1 - 5.

غیر طوالم نماز بخواند ایراد ندارد؛ لذا می‌گویند که خواندن سوره طوالم ایرادش به‌خاطر این است که شخص تبدیل به قاری قرآن می‌شود و یادش می‌رود که نماز می‌خواند.

این همان مسئله‌ای بود که من گفتم که مسئله مهمی است. اینها خیال می‌کنند که حالت مصلی، یک حالت قراردادی، اعتباری، مونثازی، ترکیبی، هیئت‌ی و دکوری است؛ - دکور اسم خوبی است! - یعنی شخص باید جلوی خدا بایستد و دستش را بالا ببرد و حواسش را جمع کند و یک سوره بخواند، سرش را به این‌طرف و آن‌طرف نکند و حمد و سوره در یک وقت مشخص تمام شود بعد به رکوع برود و همین‌طور سایر چیزها. اگر شخصی به‌جای ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، سوره بقره را خواند، از هیئت صلاتیه خارج می‌شود! عزیز من، چرا خارج می‌شود؟! در کجای صلاة داریم که هیئت ترکیبی در آنجایی است که عدد آیات یک سوره از پنج آیه یا از ده آیه تجاوز نکند؟! چه دلیلی بر این مسئله هست؟! این افراد اصلاً ارتباط بین بنده و خدا را نفهمیده‌اند که در وقت نماز، ایجاد ربط با پروردگار، اصل نماز و شروع در نماز است و هرچه این ربط طولانی‌تر باشد، مقربیت و موجبیت تجرد او که ایجاد تجرد می‌کند برای بنده بیشتر خواهد بود. چه فرقی می‌کند که انسان در سجده نماز یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا صد مرتبه؟! حالا اگر در سجده صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، نمازش باطل است؟! بله! طبق نص، باید در قرائت رکعت سوم، حمد یا سه مرتبه - یکی یا سه مرتبه - تسبیحات اربعه را بخواند و نمی‌تواند از آن تجاوز کند اما اگر کسی در رکوع یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» هم بگوید، کفایت می‌کند. حالا اگر شخصی بخواد پنجاه مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید، چه اشکالی دارد؟! چه کسی گفته است که ایراد دارد؟! چه دلیلی بر این است که بیش از یک مرتبه کراهت دارد؟! ما این‌همه ادله داریم که نماز خواندن در فلان جا کراهت دارد؛ نماز خواندن در حمام کراهت دارد، نماز خواندن در خیابان کراهت دارد،¹ نماز خواندن در فلان موارد شبهه کراهت دارد، نماز بعد از طلوع فجر تا وقت ضحی کراهت دارد. انسان این نمازها را نمی‌خواند، ادله هم دارد؛ یعنی دلیل دارد؛ لابد دلیلی برای آن هست و مسئله‌ای پشت آن هست اما در کجا داریم که اگر کسی بیش از یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا در سجده بیش از یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» بگوید، کراهت دارد؟! چه اشکال دارد که انسان در سجده نمازهای مکتوبه، ذکر یونسیه بگوید؟! «الصلاة دعاء و ذکر و صلوات و قرائت و حمد و تسبیح» این‌همه راجع به آن گفته‌اند، چه اشکال دارد؟! آیا حتماً باید انسان در قنوت یک دعای دو سه خطی بخواند؟! چه اشکالی دارد که انسان در قنوت دعاهایی که در قرآن هست؛ دعاهایی که انبیاء کرده‌اند، دعای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه که می‌فرماید:

يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدَّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجَ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ
ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَزَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ.²

بخواند؟! واقعاً عجیب است، بزرگان این دعا را در قنوت می‌خواندند. این نماز ارتباطش بیشتر است یا اینکه بگوییم: «اللهم صلِّ على محمد و آل محمد و اغفر للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات الأحياء منهم و الأموات»؟! این چه تفکری است که می‌گویند: «هیئت صلاتیه در این نماز حفظ می‌شود اما در آن نماز از بین می‌رود»؟! واقعاً چه تفکری است که ما را به اینجا می‌رساند که ما چنین تصویری کنیم؟! آیا جز این است که ما هیچ فهم و برداشتی از نماز، جز یک حالت تصنع، تحجر، خشک و دکور نداریم؟! این مسئله همان جنبه‌ای است که می‌گوید: «در (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) قصد حکایت کنید»، همان است که می‌گوید: «در (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، (قُلْ) خطاب به پیغمبر است و ما قصد حکایت می‌کنیم؛

¹ وسائل الشیعه، ج 5، ابواب مکان المصلی، باب 19: باب کراهة الصلاة على الطرق وإن لم تكن جوادة، وجواز الصلاة على جوانبها، ص 147.

² مصباح (للكفعمی)، ج 1، ص 233؛ صحیفه السجادية، ج 1، كان من دُعائه عليه السلام إذا عَرَضَتْ لَهُ مُهَمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ، مُلِمَّةٌ وَ عِنْدَ الْكُرْبِ، ص 52.

خدا به پیغمبر گفت: **(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)**، ما هم همان را می‌گوییم وگرنه به ما چه ربطی دارد؟! خدا به ما که نفرموده است بلکه به پیغمبر فرموده است! از باب اینکه حکایت منقول **إِلَى النَّبِيِّ مِنَ اللَّهِ** است، برای ما موجب جواز است و اگر خودمان بگوییم: **(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)**، خودمان مخاطب برای این نقل قرار می‌گیریم؛ لذا نماز اشکال دارد! این همان طرز فکر است که می‌گوید: «اگر در نماز به جای **(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)** سوره بقره خواندی، هیئت صلاتیه از بین می‌رود»؛ یعنی نماز بی‌ارتباط است و به جای اینکه با خدا ربط برقرار کنی...! ما که نماز را با سوره قصار می‌خوانیم به خاطر این است که حوصله نداریم، کار داریم، زندگی داریم، مطالعه داریم، خواب داریم، خوراک داریم وگرنه افرادی که در سابق و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، حکایاتی از آنها نقل شده است که نماز مغرب می‌خواندند و تا موقع عشاء طول می‌کشید، عشاء می‌خواندند تا مدت طولانی طول می‌کشید، هر سجده آنها یک ربع یا بیست دقیقه طول می‌کشید¹ ولی الآن وضعیتی است که سجده جرم محسوب می‌شود و اگر انسان مقداری سجده را طولانی کند، می‌گویند که درویش و صوفی شده است، چرا سجده‌اش طول کشید؟ درویش نشده است، ریش خود را دراز نکرده است، پیش خود را دراز نکرده است! هیچی! همه چیز سر جای خود منظم و مرتب است، این بدبخت فقط دو مرتبه «سبحان الله» اضافه گفته است! فقط دو مرتبه ذکر نماز را اضافه گفته است، آسمان به زمین آمده است؟! دلش می‌خواهد حال سجده خود را بیشتر ادامه دهد مگر گناه کرده است؟! جداً مگر گناه کرده است؟! این مطلب برای بسیاری از قفل‌ها و درب‌های بسته و نیمه‌باز و برای شبهات یک کلید است که انسان می‌تواند با این مطلب به آنها برسد.

بنابراین هیچ اشکالی ندارد که انسان در سجده هرچه می‌خواهد ذکر بگوید یا در قنوت هم همین‌طور؛ مثلاً سجده نماز ظهرش یک ساعت طول بکشد، چه اشکال دارد؟! وقتی کار نداری به سجدهات بچسب، به جای اینکه به جمال کسانی که نمی‌خواهی نگاهش کنی یا به جای نگاه به درودیوار، حداقل سجده کن و در سجده بگو که من در سجده‌ام! گاهی اتفاق می‌افتد که - گاهی البته - می‌گویند: «چرا بلند نمی‌شوی؟!» بگو که در سجده‌ام و نماز می‌خوانم!

حکم تلاوت سوره عزائم در نمازهای واجب

روایات راجع به سوره عزائم مختلف هستند؛ بعضی از روایات قرائت سوره عزائم را جایز نمی‌دانند، بعضی از روایات خواندن سوره عزائم را موجب از دیاد رکن خوانده‌اند² و تصریح نسبت به این مسئله است. بنابراین فتوای فقهاء بر این است که جایز نیست؛ - من ندیدم که کسی جایز بداند - کُلّ فقهاء قرائت سوره عزائم را جایز نمی‌دانند³ اما یک روایت داریم که عدم جواز در آن معلل به از دیاد رکن است بنابراین با توجه به این کسی که می‌خواهد نصف یا ربعی را از این سوره را بخواند، در این صورت بلا اشکال خواهد بود؛ یعنی اگر کسی نمی‌خواهد همه سوره را بخواند مثل سوره نجم که آیه

¹ تذکرة الاولیاء، ج 1، ص 12:

«اویس را می‌آرند که در همه عمر خویش هرگز شب نخفت. یک شبی گفتم: هذه لیلة الرکوع و دیگر شب گفتمی هذه لیلة السجود.

یک شب به قیامی بسر بردی، و یک شب به رکوعی، و یک شب به سجودی. گفتند: یا اویس چون طاقت می‌داری شبی بدین درازی بر یک حال. گفت: ما خود هنوز یکبار سبحن ربی الاعلی نگفته باشیم در سجودی که روز آید، خود سه بار تسبیح گفتن سنت است. این از آن می‌کنم که می‌خواهم که مثل عبادت آسمانیان کنم.»

² الکافی، ج 3، کتاب الصلاة، باب عزائم السجود، ص 318، ح 6:

«عن زرارة عن أحدهما علیهما السلام قال: «لا تقرأ فی المکتوبة بشیء من العزائم فإن السجود

زیادة فی المکتوبة».

³ عروة الوثقی، ج 2، ص 496؛ جواهر الکلام، ج 9، ص 343؛ حقائق الناضرة، ج 8، ص 152.

آخرش سجده دارد، یا سوره علق: ﴿أَقْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾¹ که همین‌طور است یا سوره سجده که در اواسط آن آیه سجده دارد، می‌تواند تا قبل از آیه سجده را بخواند و اشکالی ندارد؛ یعنی این روایت، تعلیل عدم جواز را به ازدیاد جزء بیان می‌کند در صورتی که قاری قصد قرائت کل سوره را داشته باشد. پس تا این مقدار از کلام مرحوم آقا - رضوان الله تعالی علیه - بر اینکه قرائت سور عزائم ایرادی ندارد، را می‌توانیم موافقت کنیم. برخلاف فتوای همه فقهاء - من ندیدم که کسی قائل به جواز باشد، حالا شما خودتان ببینید - که قائل به عدم جواز هستند. لذا به‌طور کلی این‌گونه روایات را حمل بر عدم جواز به‌نحو مطلق کرده‌اند حتی بعضی از آنها فتوا به حرمت بسمله داده‌اند؛ در صورتی که بسمله جزئی از خصوص همان سوره باشد.

در اینجا یک روایت داریم که مشکل را حل می‌کند؛ از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کنند که اگر کسی وارد در سور عزائم شده چه کند؟ حضرت می‌فرماید که قبل از اینکه به آن آیه برسد، ختم کند یا اینکه منصرف به سوره دیگر شود.² البته اگر می‌خواهد همه سوره را بخواند و قصدش این بوده است. پس حضرت می‌فرمایند که قرائت اصل سور عزائم ایراد ندارد یعنی این روایت، مطلقاتی را که دلالت بر عدم جواز می‌کنند، تقیید می‌زند چون روایات مختلف، زیاد هستند و این روایت آنها را تقیید می‌کند در صورتی که شخص، ناوی قرائت کل سوره است، نه ناوی قرائت بعضی از سوره. لذا حضرت می‌فرمایند که قبل از رسیدن به آن آیه توقف کند، حالا یک سوره بخواند یا اینکه اگر قصد اتمام سوره را دارد، قبل از رسیدن به آن آیه منتقل به سوره دیگری شود و آن سوره را تمام کند. از این جهت می‌توانیم عرض کنیم که قرائت سور عزائم در صلوة مکتوبه ایرادی ندارد، به استثناء آیاتی که آیات سجده هستند.

تلمیذ: سجده واحده که رکن نیست.

استاد: روایت دارد که رکن است.

تلمیذ: سجده واحده رکن نیست.

استاد: آن سجده ازدیاد است. اگر کسی عمداً یک سجده اضافه کند، نمازش باطل است، حالا کسی که عمداً آیه را می‌خواند، موجب ازدیاد عمدی سجده نیست؟! تلمیذ: آیه را عمدی خوانده است ولی سجده که عمد نیست.

استاد: سجده مترتب بر آیه است؛ لذا نمی‌تواند آیه را بخواند و سجده نکند. وقتی که این آیه را می‌خواند سجده جدا است؛ یعنی چه بخواند یا نخواند، در سجده باشد، در خواب یا بیداری باشد، در حال غذا یا نوم باشد، در هر کاری باشد، باید آن کار را رها کرده و سجده کند، اگر شنید باید سجده کند، بعد ادامه دهد. سجده، در هر حالی مترتب بر آیه سجده است. این سجده موجب ازدیاد رکن می‌شود؛ لذا وقتی دو سجده باهم رکن باشد، یک سجده هم نمی‌توانید انجام دهید.

تلمیذ: یک سجده رکن نیست بلکه جزء واجب است.

استاد: وقتی هر دو رکن باشد یک جزء آن، جزء واجب می‌شود و آن هم اشکال دارد.

خلاصه ما این مسئله را تا اینجا آوردیم و از این به بعد موقوف به زمان ظهور می‌شود که حضرت تشریف بیاورند و بفرمایند که آیا می‌شود یا نمی‌شود! ما با این ادله و روایات تا اینجا جلو آمدیم و پیشرفت کردیم، خیلی هم پیشرفت کردیم! همه فتوا به حرمت می‌دهند، حداقل ما تا نزدیک آن آمدیم! علامه حلی پیش محقق حلی که دایی ایشان بود، درس می‌خواند. یک روز خواجه به حله رفت،

¹ سوره علق (96) آیه 1.

² وسائل الشیعه، ج 6، أبواب قراءة فی الصلاة، باب 40، ص 105، ح 3:

«عن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال في الرجل يسمع السجدة في الساعة التي لا تستقيم الصلاة فيها قبل غروب الشمس و بعد صلاة الفجر، فقال: "لا يسجد و عن الرجل يقرأ في المكتوبة سورة فيها سجدة من العزائم"، فقال: "إذا بلغ موضع السجدة فلا يقرأها و إن أحب أن يرجع فيقرأ سورة غيرها و يدع التي فيها السجدة فيرجع إلى غيرها"».

دید که محقق به علامه درس می‌دهد، علامه شاگرد خواجه بود؛ فلسفه و منطق را پیش ایشان خوانده بود. کتاب جوهر النضید هم شرح علامه است، اتفاقاً بعضی از جاهای آن از خود متن مشکل‌تر و دقیق‌تر است. آن روز این بحث را شرح می‌داد که قبله برای کسانی که در خود مکه یا در مسجدالحرام هستند نفس‌الکعبه است و برای کسانی که خارج مکه هستند، به حکم ثانوی، همان جهت است. علامه اعتراض کرد که برای کسانی که در خود مکه و مجاور هستند نفس‌الکعبه می‌باشد ولی برای کسانی که خارج هستند، جهت کعبه است؛ یعنی دو حکم داریم؛ - حکم ثانوی نیست - یک حکم داریم برای کسانی که موطنین هستند و یک حکم برای کسانی که در بلاد بعیده هستند که برای افراد بعیده جهت کعبه است. خواجه از اشکال علامه خوشش می‌آید و می‌گوید: «رأیت شیخاً کبیراً قد أبقر العلم بقرا و طفل صغیراً إن أبقاه الله صار علامة دهر». «علامه از آنجا ملقب به علامه شد؛ خواجه به ایشان این لقب را داد. البته اشکال علامه وجهی ندارد ولی بالأخره خواجه خوشش آمد و گفت: «علامه».¹

وقتی محقق می‌خواست او را دعوا کند - ایشان هنوز بالغ نشده بود - یا مثلاً تنبیه کند، او آیه سجده را می‌خواند و محقق سجده می‌کرد، علامه هم فرار می‌کرد و بالای درخت می‌رفت و می‌گفت: «من که تکلیف ندارم!» محقق می‌گفت که از تو گذشتم!

حکم تلاوت سور عزائم در نمازهای مستحب

تلمیذ: سوره عزائم در نماز مستحب اشکال دارد؟!

استاد: در نماز مستحب اشکال ندارد، نص هم داریم.²

تلمیذ: آیا در سوره بعدی که جایگزین سوره واجب می‌شود بسم الله لازم است؟

استاد: ابتدای هر سوره‌ای بسم الله دارد.

تلمیذ: یعنی قبل از آن آیه به سوره دیگری منتقل شود؟!

استاد: بله مثلاً وقتی سوره قلم می‌خواند به آیه سجده که می‌رسد، سوره «والذاریات» را شروع

می‌کند یا مثلاً سوره «والعادیات».

تلمیذ: اگر از وسط سوره هم شروع کند دوباره بسم الله لازم است؟!

استاد: نه، از ابتدای سوره بسم الله می‌خواهد. مثل کسی که ابتدائاً بخواد سوره کاملی در نماز

بخواند. اگر کسی بخواد از وسط سوره بخواند، بسم الله لازم نیست.

تلمیذ: در رکوع و سجده غیر از ذکر معروف، انکار دیگر جایز است؟

استاد: بله، همه چیز جایز است!

تلمیذ: «الله اکبر» جایز است؟ یعنی مثلاً اگر در رکوع یا سجده سه مرتبه «الله اکبر» بگویم،

صحیح است؟!

استاد: نه! باید «سبحان الله» و آن ذکر را که وارد است، بخواند، آن وقت اگر بخواد اضافه

بخواند اشکالی ندارد. نمی‌تواند «الله اکبر» را به جای «سبحان الله» بگوید، اول «سبحان الله» را بخواند

بعد صد دفعه «الله اکبر» هم بگوید عیبی ندارد، باید آن اصل باید انجام شود.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد

¹ ریاض العلماء، ج 1، ص 103. با اندکی تغییر و اضافات.

² وسائل الشیعة، ج 6، أبواب قراءة فی الصلاة، باب 40، ص 105، ح 2:

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ (أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ) فَإِذَا حَتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ» إِلَى أَنْ قَالَ: «وَلَا تَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ

إِقْرَأُ فِي التَّطَوُّعِ».